

روزشمار جنگ

یکشنبه

۸ شهریور ۱۳۶۰

۲۹ شوال ۱۴۰۱

۳۰ اوت ۱۹۸۱

۵۵۲

بر اثر انفجار بمب در اتاق جلسه شورای امنیت کشور در ساختمان نخست‌وزیری (واقع در خیابان پاستور تهران)، محمدعلی رجایی رئیس‌جمهور و محمدجواد باهنر نخست‌وزیر به شهادت رسیدند. در این حادثه همچنین، عبدالحسین دفتریان مدیر امور مالی نخست‌وزیری، شهید شد و چند تن از حاضران در جلسه نیز مجروح شدند.*

ساعاتی پس از وقوع این حادثه، دفتر سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در لندن با انتشار اطلاعیه‌ای - که خبرگزاری فرانسه آن را مخابره کرد - مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفت.**^(۱)

نیروهای آتش‌نشانی و امدادی دقایقی پس از این انفجار - که ساعت ۱۵ رخ داد - در محل حاضر و با کمک نیروهای انتظامی و مردم مشغول خاموش کردن آتش و نجات آسیب‌دیدگان و مجروحان حادثه شدند. عملیات امدادرسانی حدود سه ساعت طول کشید و در جریان آن ۹ مجروح حادثه و اجساد شهیدان از ساختمان خارج و به بیمارستان انتقال یافتند.

در نخستین ساعات پس از حادثه، اخبار ضدونقیضی درباره شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر منتشر شد، اما کمی بعد پیکر رجایی و باهنر توسط نزدیکان و از نشانه‌های روی دندان‌هایشان شناسایی شد.

به دنبال این واقعه، هیئت دولت برای بررسی اوضاع با حضور مهدوی کنی وزیر کشور، بهزاد نبوی وزیر مشاور و سخنگوی دولت، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و چند تن دیگر از وزیران در محل مجلس شورای اسلامی جلسه فوق‌العاده‌ای را تشکیل داد.^(۲)

* چند مجروح حادثه به بیمارستان انتقال یافتند؛ از جمله مجروحان سرهنگ وحید دستجردی رئیس شهرداری کل کشور بود که چند روز بعد در بیمارستان به شهادت رسید. همچنین در این حادثه خانمی به نام خدیجه بیگم احمد گلشن ۵۳ ساله از ساکنان محل که هنگام انفجار در حال عبور از مقابل ساختمان بود، زیر آوار ماند و شهید شد. (روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۲)؛ توضیحات بیشتر درباره این انفجار در ضمیمه اول گزارش درج شده است.

** این بمب را یکی از افراد سازمان مجاهدین خلق به نام مسعود کشمیری کار گذاشته بود. اطلاعات تکمیلی در این باره در ضمیمه دوم گزارش آمده است.

آقای هاشمی رفسنجانی در کتاب
عبور از بحران وضعیت پیش آمده را
چنین ترسیم کرده است:

«آقای موسوی خوئینی‌ها
مجلس را اداره می‌کرد، برق
منطقه را به خاطر جلوگیری از
سرایت آتش قطع کردند، ناچار
مجلس هم تعطیل شد. ساعت
۵ دوباره برق آمد و مجلس کار
خود را شروع کرد، من شرکت
کردم و اجمالاً خبر را دادم،
وحشت سختی ایجاد کرد. وزرا
در دفتر من جمع شدند - این
روزها مجلس پناه است -



محل وقوع انفجار در ساختمان نخست‌وزیری

جلسه‌ای در تالار مجلس تشکیل دادند و راجع به نخست‌وزیر آینده تا ساعت ۱۱ شب، بحث
شد و از جلسه وزرا برای خشتی کردن تبلیغات رادیوهای خارجی که می‌گفتند تمام هیئت دولت
شهید شده‌اند، فیلم گرفتیم و در اخبار ساعت ۸ شب، پخش شد. من هم مصاحبه‌ای کردم.
لحظات بسیار تلخی گذشت. بعد از فاجعه دفتر حزب و ازدست دادن آن همه هم‌سنگر و بعد از
ده‌ها ترور شرورانه که تعداد زیادی از نیروهای ارزنده را از ما گرفته، تازه داشتیم به تعادل
می‌رسیدیم، با تشکیل دولت و تقویت مجلس، که دچار این مصیبت شدیم.^(۳)
در پی شهادت رجایی و باهنر، شورای موقت ریاست‌جمهوری متشکل از حجت‌الاسلام
هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و سید عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس
دیوان‌عالی کشور، اداره امور کشور را برعهده گرفت.^(۴)*

* آقای هاشمی رفسنجانی در کتاب خود آورده است: «از شورای نگهبان، درباره شورای موقت ریاست‌جمهوری که یک
عضوش را - نخست‌وزیر - نداشت، سؤال کردم. گفتند چون اکثریت هستند، رسمیت دارد. شورای ریاست‌جمهوری
اعلام داشت که وزرا، سرپرستی وزارتخانه‌ها را به عهده دارند. در این مدت کوتاه این بار دوم است که شورای
ریاست‌جمهوری مسئولیت به عهده می‌گیرد.» (اکبر هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران (کارنامه و خاطرات هاشمی
رفسنجانی سال ۱۳۶۰)، به اهتمام باسر هاشمی، تهران: نشر معارف انقلاب، چاپ نهم ۱۳۸۶، ص ۲۱۷)
گفتنی است شورای موقت ریاست‌جمهوری روز بعد با صدور اطلاعیه‌ای رسماً شهادت رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را به
آگاهی عموم مردم رساند و به همین مناسبت دوشنبه ۹ شهریور ۱۳۶۰ را تعطیل و تا پایان هفته (جمعه ۱۳ شهریور) را در
سراسر کشور عزای عمومی اعلام کرد. متن این اطلاعیه چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، من المؤمنین رجال صدقوا

مردم مسلمان و انقلابی و فداکار ایران، جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر، بهترین فرزندان خود را قربانی راه اسلام و ←

برای کنترل وضعیت امنیتی کشور و مقابله با اتفاقات احتمالی نیز به نیروهای سپاه پاسداران و واحدهای انتظامی آماده‌باش کامل داده شد و سپاه پاسداران با کمک سایر نیروهای انتظامی و بسیج اقدام به کنترل مبادی ورودی و خروجی تهران و مراکز مهم شهر کرد. وزارت کشور نیز تدابیر امنیتی ویژه‌ای را به استانداری‌ها ابلاغ کرد.^(۵) این وزارتخانه در نامه‌ای به سپاه پاسداران برای جلوگیری از فرار افراد وابسته به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به مناطق غربی کشور به‌ویژه کردستان، خواستار کنترل راه‌های ارتباطی به این مناطق شد.^(۶)

۵۵۳

پس از حدود چهار ماه رکود و کم‌حرکی در جبهه سرپل ذهاب در استان کرمانشاه،* امروز طرح عملیاتی تبوک که در ستاد عملیات غرب کشور تصویب شده بود، برای اجرا در ارتفاعات غرب سرپل ذهاب به یگان‌های عمل‌کننده ابلاغ شد.**

→ انقلاب و مستضعفان جهان کرد. رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر به‌دست ستون پنجم دشمن و نوکران امپریالیسم و صدام، شربت شهادت نوشیدند. اتحاد شوم نفاق چپ و راست، به‌دست امریکای جنایتکار، با انفجار بمب آتش‌زا، در یکی از دفاتر مشورتی ساختمان نخست‌وزیری، این دو مسلمان انقلابی و مکتبی و فداکار را از ملت قهرمان و ایثارگر ایران گرفت. شهید رجایی رئیس‌جمهور عزیز و شهید باهنر نخست‌وزیر محبوب به شهدای انقلاب پیوستند و جمعی از برادران عزیزمان مجروح شدند. انقلابی با ابعاد انقلاب اسلامی ایران، باید پذیرای چنین پیشامدهای ناگوار و تقدیم چنین قربانیان ارج‌دار باشند. خداوند سایه امام امت و رهبر عظیم‌الشان انقلاب را تا حضور حضرت مهدی (عج) بر مستضعفان جهان مستدام بدارد. از شما ملت مسلمان و ایثارگر، انتظار می‌رود که یک بار دیگر با نشان‌دادن صبر و استقامت، با حضور در صحنه، شکست‌ناپذیری خود و انقلاب را به معرض نمایش بگذارید و دشمنان کوردل و شقاوت‌مند اسلام را، که با همه امکانات خویش به جنگ با این انقلاب برخاسته‌اند، مأیوس نمایید. شورای ریاست‌جمهوری با اجازه امام امت دوشنبه ۹ شهریور را تعطیل و تا جمعه سیزدهم شهریور در سراسر کشور عزای عمومی اعلام می‌کند و از همه مسئولان و اقشار مختلف به‌خصوص رزمندگان کشور در جبهه‌ها، انتظار دارد برای تحکیم و استقرار کامل جمهوری اسلامی به وظایف اسلامی و انقلابی خویش عمل کنند.

پیکرهای مقدس شهدای عزیز و قربانیان اسلام و قرآن را امروز ساعت ۱۰ صبح از مقابل مجلس شورای اسلامی، تشییع می‌کنیم، شهادت این فرزندان بزرگوار و فداکار را به پیشگاه امام عصر (عج) و رهبر انقلاب و ملت بزرگ و خانواده‌های عزادار تبریک و تسلیت می‌گوییم و یک بار دیگر، اعلام می‌داریم که خون شهدای اسلام ضامن پیروزی حق و نابودی کفر و نفاق خواهد بود. (همان)

* درخصوص سوابق اجرای عملیات در منطقه سرپل ذهاب مطالبی در ضمیمه این گزارش آمده است.

** پس از اجرای عملیات موفق ارتش و سپاه در ارتفاعات بازی‌دراز در جبهه سرپل ذهاب در اول اردیبهشت ۱۳۶۰، این جبهه به حالت راکد درآمد، تا اینکه برای تکمیل تصرف ارتفاعات منطقه (در گیلان‌غرب، زله‌زد و سرپل ذهاب) طرحی با عنوان "طرح تبوک ۶" تهیه و قرار شد در ۱۵ مرداد ۱۳۶۰ اجرا شود، اما به دلایلی (ازجمله مشکلات اطلاعاتی، کمبود نیرو و کمبود مهمات توپخانه) اجرای طرح به ۳۱ مرداد ۱۳۶۰ موکول شد. علاوه‌بر آن، وسعت عرض منطقه عملیاتی از یک‌سو و اولویت یافتن عملیات در جنوب از سوی دیگر سبب شد عملیات به ارتفاعات سرپل ذهاب محدود شود. از آنجا که زمینه اجرای عملیات در تاریخ فوق فراهم نشد، اجرای آن به بعد موکول گردید. تا اینکه حادثه انفجار در ساختمان نخست‌وزیری و شهادت رجایی و باهنر موجب جلو افتادن زمان اجرای عملیات شد و این عملیات در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۱۱ به اجرا درآمد. (سند شماره ۱۷۱۰۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از نظارت و ارزشیابی به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰/۸/۱۳، صص ۱۰ - ۱)

واحد اطلاعات منطقه ۷ سپاه پاسداران (کرمانشاه، ایلام، کردستان) در گزارش خود دلایلی را برای جلو انداختن زمان اجرای عملیات بیان کرده که به شرح ذیل است:

«الف) رکود طولانی در جبهه‌ها که باعث کسالت نیروها و کم‌شدن میل جنگجویی در آنان شده است.

ب) فرارسیدن سال تحصیلی و بازگشایی مدارس که این مسئله باعث شده تا نیروی عمده بسیج، که از برادران دانش‌آموز بودند، درحال ترک جبهه‌ها باشند و می‌بایست تا فرصت باقی است از این نیروها جهت ضربه به دشمن استفاده گردد.

پ) شهادت برادران رجایی و باهنر باعث شده بود که فرماندهان جهت زدن یک ضربه سیاسی به دشمن و دشمنان داخلی و خارجی انقلاب که مدعی بودند با شهادت این دو نفر انقلاب به شکست می‌انجامد [آماده باشند] و تظاهرات نیروهای سپاه در پادگان ابوذر که خواستار انجام هرچه سریع‌تر عملیات گشته بودند در تصمیم‌گیری مؤثر واقع گردید.»^(۷)

براساس طرح عملیاتی تبوک، ۴ محور عملیات از شمال به جنوب عبارت‌اند از:

الف) محور راست (شمالی) ارتفاعات کوره‌موش.

ب) محور میانی (راست) ارتفاعات بنه‌دستک و قراویز.

ج) محور میانی (چپ) دشت زیر قله ۱۱۰۰ شمالی و قله ۱۱۰۰ شمالی بازی‌دراز.

د) محور چپ (جنوبی) قله ۱۱۵۰ و تیغه‌های برآفتاب.

باتوجه به شکل ارتفاعات، تصرف اهداف در هر محور مشروط به موفقیت در بخش‌های دیگر است، بنابراین هماهنگی جبهه‌ها با یکدیگر، به‌ویژه محور کوره‌موش که یکی از کلیدهای مؤثر برای پیروزی در سایر محورها است، اهمیت بسزایی دارد.^(۸)

همچنین در طرح این عملیات نیرو و تجهیزات زرهی خودی و مأموریت آنها در محورهای چهارگانه به این شرح تعیین شده است:

الف) محور کوره‌موش

۱. ۵۰ نفر از بسیج مشهد به‌اضافه ۲ گروهان از گردان ۱۸۴ پیاده مکانیزه به استعداد پرسنلی ۳۰۰ نفر و تعداد ۱۰ دستگاه نفربر پی.ام.پی از همین واحد.

* واحد نظارت و ارزشیابی سپاه پاسداران در گزارش به فرمانده کل سپاه سیر تصمیم‌گیری برای اجرای عملیات را چنین شرح داده است: «[پس از] واقعه شهادت رجایی و باهنر، برادران اعزامی مستقر در پادگان اباذر که از رکود [این] جبهه خسته شده بودند، بر اثر این جریان احساساتشان تحریک شده و به‌مدت یک ساعت در محوطه پادگان تظاهرات نموده و خواهان انجام عملیات شدند. جلسه‌ای با فرماندهان ارتش گذاشته شد. در این جلسه برخی فرماندهان ارتش به این اقدام [حمله] اعتراض داشتند، ولی سرهنگ عطاریان (فرمانده شمال‌غرب ارتش) در جلسه می‌گوید [این] حمله یک مسئله سیاسی - نظامی است و حتماً بایستی انجام گیرد. سرانجام با مختصر صحبتی که با ستاد منطقه و ستاد مرکزی [سپاه] انجام گرفت [قرار شد] حمله در ۱۳۶۰/۶/۱۱ انجام شود.» (همان)

۲. یک گروهان کامل از واحد ۲۵۰ تانک چيقتن به استعداد ۱۵ دستگاه تانک. مأموریت: تصرف و اشغال کوره موش و سپس ادامه تک تا اشغال بنه دستک.

ب) محور قراویز

۱. نیروهای پیاده از یگان سپاه همدان به استعداد پرسنلی ۱۵۰ نفر و ۲۵۰ نفر از گردان نور و یک گروهان از گردان ۱۴۳ به استعداد پرسنلی ۱۰۰ نفر و گروهان ضربت ابوذر به استعداد پرسنلی ۹۰ نفر (۳۰ نفر از سپاه و ۶۰ نفر از ارتش).
 ۲. دو گروهان از گردان ۲۱۵ تانک شامل ۱۵ تانک ام ۶۰ به اضافه ۵ دستگاه نفربر پی.ام.پی از گردان پیاده مکانیزه ۱۴۳.
 ۳. یک گروهان از گردان ۲۱۱ تانک شامل ۱۲ تانک ام ۶۰ به اضافه ۵ دستگاه نفربر پی.ام.پی از گردان پیاده مکانیزه ۱۸۴.
 مأموریت: تصرف ارتفاعات قراویز و تصرف بنه دستک و کلم کبود و بنا به دستور ادامه تک تا مرز باباهادی و برقراری تأمین و جلوگیری از نفوذ دشمن.

ج) محور ۱۱۰۰

۱. ۱۵۰ نفر از رزمندگان بسیج نجف آباد به اضافه یک گروهان از گردان ۱۴۳ شامل ۱۰۰ نفر به اضافه یک گروهان از گردان ۲۱۱ تانک شامل ۱۰ تانک به اضافه ۲ گروهان از گردان ۹ (۱۰۰ نفر).
 مأموریت: تصرف ارتفاع ۱۱۰۰ شمالی بازی دراز و برقراری تأمین ۱۱۰۰ شمالی و تصرف تپه ۵۰۵ جنوب جگرو محمدعلی.

د) محور ۱۱۵۰ و تیغه های برآفتاب

۱. ۸۰۰ نفر از گردان ۹ سپاه و ۱۵۰ نفر از گردان ۱ سپاه و گردان امید شامل ۴۰۰ نفر و یک گروهان از گردان ۲۱۱ تانک شامل ۱۲ تانک.
 مأموریت: در مرحله اول گرفتن ارتفاعات ۱۱۵۰ و ۱۰۰۰ و بنا به دستور تصرف ارتفاع ۱۰۱۶ بازی دراز و در مرحله دوم تصرف ارتفاعات تیغه برآفتاب از چم امام حسن تا زیر ارتفاع ۱۰۱۶ و برقراری تأمین و جلوگیری از حمله و نفوذ دشمن و مسدود کردن جاده قصر - گیلان بنا به دستور.^(۹)

بدین ترتیب مجموع نیروهای در نظر گرفته شده برای این عملیات چنین است:
 ارتش: نیروهای تیپ ۳ زرهی لشکر ۸۱ (کرمانشاه)، گردان های تانک ۲۱۱ و ۲۱۵ و یک گروهان از گردان ۲۵۰ تانک چيقتن و گردان ۱۸۴ پیاده مکانیزه و گردان های نور و امید و ۹۰ نفر از گروهان سومار.

سپاه و بسیج: ۱۵۰ نفر از سپاه قصرشیرین و ۸۰ نفر بسیجی اعزامی از شمال و ۱۰۰ نفر از بسیج مشهد و ۲۵۰ نفر از بسیج همدان و ۲۰۰ نفر از بسیج نجف آباد و ۵۰ نفر از بسیج تهران؛ علاوه بر این، گردان‌های ۱، ۸ و ۹ سپاه نیز در این عملیات شرکت می‌کنند. بسیج عشایری: نیروهای احمد بن موسی ۸۰ نفر و افراد بسیج کلهر ۵۰ نفر. گروهان ضربت ابوذر متشکل از ۶۰ نفر از ارتش و ۳۰ نفر از سپاه.^(۱۰)

این نیروها باید از سه جبهه به هدف‌های تعیین شده در شمال غرب، غرب و جنوب غرب شهر گیلان غرب حمله کرده و ارتفاعات کوره‌موش، بنه‌دستک، قراویز و جگرلو محمدعلی را در شمال و غرب و بلندی‌های ۱۱۰۰، ۱۱۵۰، ۱۰۰۰ و ۱۰۱۶ را در سمت جنوب جبهه‌های عملیاتی تصرف کنند.^(۱۱)

برای پشتیبانی آتش عملیات نیز مقرر شد جمعاً ۴ گردان توپخانه به صورت آتشباری در منطقه گسترش بیابند تا امکان پشتیبانی از همه یگان‌ها وجود داشته باشد.^(۱۲) گفتنی است در مقابل نیروهای خودی توپخانه‌های ۳ لشکر عراق در منطقه سرپل ذهاب و گیلان غرب گسترش دارند که به مراتب از توپخانه‌های خودی قوی‌ترند.^(۱۳)

۵۵۴

در ادامه اعزام داوطلبان مردمی به مناطق جنگی امروز نیز ۳۰۰ نفر از نیروهای بسیج سپاه پاسداران خراسان که دوره‌های آموزشی نظامی را گذرانده‌اند، پس از زیارت مرقد مطهر امام رضا^(ع) با بدرقه پرشور مردم مشهد به جبهه‌های نبرد عزیمت کردند.^(۱۴) روز سوم شهریور نیز دو گروه از امدادگران هلال احمر از شهرستان‌های رشت و الشتر (واقع در استان لرستان)، در میان بدرقه اهالی این دو شهر برای امداد و خدمات‌رسانی به رزمندگان اسلام، عازم مناطق جنگی شدند.^(۱۵)

۵۵۵

دو محموله شامل مهمات و تجهیزات نظامی از اردن و کویت وارد عراق شد. امروز محموله مهمات خریداری شده از فرانسه که با کشتی به اردن حمل شده بود، به وسیله ۷۵ کامیون هجده‌چرخ از مرز اردن وارد عراق شد. مسئولان عراقی برای سهولت در حرکت و امنیت این محموله، جاده مسیر کامیون‌ها را یک‌طرفه کرده بودند. علاوه بر این ۱۹ کامیون حامل تجهیزات نظامی نیز از کویت و از طریق مرز صفوان وارد عراق و به پادگان التاجی در حومه بغداد منتقل شد.^(۱۶)

۵۵۶

"یازده ماه جنگ بین ایران و عراق؛ تهران به‌طور سیستماتیک دشمن را در حلقه محاصره قرار می‌دهد و حمله‌ای را تدارک می‌بیند" عنوان مقاله اولریش تبلنجر خبرنگار آلمانی است که همراه گروهی دیگر از خبرنگاران خارجی از مناطق جنگی ایران بازدید کرده است. در قسمتی از این مقاله که در نشریه کلنر/اشارات/نساگر چاپ شده، درباره اوضاع بعضی از جبهه‌های جنگ در استان خوزستان آمده است:

«پس از یازده ماه جنگ هنوز بخشی از پالایشگاه آبادان در آتش می‌سوزد. چند ماهی است که حلقه گازانبری ارتش عراق در هم شکسته شده، نیروهای مسلح ایران طی یک حمله شبانه قوای دشمن را تا ده کیلومتری وادار به عقب‌نشینی نموده‌اند] به‌طوری‌که عراقی‌ها مجبور شدند مواضع خود را که در صحرای شمالی شهر واقع بود از دست بدهند و چند نفربر و مقداری مهمات به جای گذارند.

سیم تلفن‌های صحرایی نشان می‌دهد که ارتش در سطحی عالی سازمان یافته است. درحال‌حاضر، ارتش بر داخل شهر غیرمسکونی مسلط است. اکنون تنها از طریق دو پل غوطه‌ور در رودخانه بهمنشیر می‌توان به آبادان راه یافت و ازطرفی ارتش ایران بر خرمشهر نیز مسلط است و نیروهای مهاجم عراق در برخورد‌های نظامی چندین تانک تی ۶۱ و تعداد زیادی نفربر از دست داده‌اند. تدارکات نظامی نشان می‌دهد که نیروهای مسلح ایران به‌طور سیستماتیک و کیلومتر به کیلومتر دشمن را که هنوز با توپخانه خود مناطق مسکونی اهواز را به گلوله می‌بندد در حلقه محاصره می‌گیرند و ازطرفی سلاح‌های سنگین خود را تا سرحد امکان محافظت کرده تا در برخورد‌های نظامی از ضایعات بیشتر جلوگیری به عمل آید. ایرانیان هدفشان بازپس گرفتن سرزمین‌های خودشان است.

در خط جبهه تشنج‌های سیاسی پایتخت احساس نمی‌شود و خواسته حاکم بر جبهه عقب‌راندن هرچه سریع‌تر قوای مهاجم است و دولت ایران در یک اجبار پیروزی قرار دارد و همواره مذاکرات صلح را به‌دلیل آنکه هدف جمهوری اسلامی عقب‌راندن کامل قوای متجاوز عراقی توسط نیروهای مسلمان ایران است رد کرده است و ازطرفی پیروزی در جنگ پس از یک سال به‌عنوان تقویت‌کننده دولت در مقابل مخالفان سیاسی داخلی تلقی می‌شود.^(۱۷)

۵۵۷

در ادامه عملیات پاک‌سازی مناطق مرزی غرب و شمال‌غرب ارومیه که از چند روز قبل آغاز شده بود، امروز نیز چند روستای این منطقه ازجمله لورزنی، گيسان، برازان، دورژانی و ژارژنی پاک‌سازی شد.

در این عملیات ۲ نفر از افراد حزب دمکرات کشته، چند نفر زخمی و ۱۰ نفر نیز اسیر شدند. از این افراد ۴ اسلحه ژ ۳ و خشاب پر و یک دستگاه بی‌سیم به دست آمد.^(۱۸)

۵۵۸

ساعتی پس از وقوع انفجار در ساختمان نخست‌وزیری حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر از افراد وابسته به سازمان مجاهدین خلق با سردادن شعار علیه امام خمینی در خیابان شریعتی، تجمع و اقدام به آتش‌زدن لاستیک کردند.



در پی این اقدام، تعدادی از مردم با این افراد درگیر شدند؛ با حضور نیروهای کمیته و ادامه درگیری ۵ نفر از این افراد که بین ۱۴ تا ۱۸ سال سن داشتند، دستگیر شدند و ۲ کلت از آنان به دست آمد. در این درگیری ۲ نفر از مردم که یکی از آنها آهنگری به نام مصطفی زمانی بود به شهادت رسیدند و یک پاسدار نیز مجروح شد.^(۱۹)



ساعتی پس از انفجار در ساختمان نخست‌وزیری که به شهادت رجایی و باهنر انجامید تعدادی از عناصر سازمان مجاهدین خلق با اجتماع در خیابان شریعتی و آتش‌زدن اموال عمومی سعی در ایجاد بلوا و آشوب نمودند. تصاویر گوشه‌هایی از این حادثه را نشان می‌دهد.

۵۵۹

اقدامات امروز تیم‌های ترور سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و دیگر گروه‌های مسلح ضدانقلاب در شهرهای مختلف، ۹ شهید و ۱۱ مجروح بر جای گذاشت، در همین حال چند تن از عاملان این ترورها با تلاش مردم، نیروهای انتظامی و پاسداران دستگیر شدند.

یکی از پاسداران کمیته انقلاب اسلامی ستاد ۶ منطقه ۱۰ تهران به نام علی سیدی خیابانی در منطقه افسریه به‌دست افراد گروه‌های مسلح غیرقانونی ترور شد و به شهادت رسید. در این حادثه یک عابر نیز مجروح شد.^(۲۰)

همچنین امروز افراد سازمان مجاهدین خلق در چند اقدام تروریستی ۶ نفر از افراد متعهد شهر بابل را هدف سوءقصد قرار دادند. در این حملات ۲ نفر به شهادت رسیدند و ۴ تن دیگر مجروح شدند.^(۲۱)

در حادثه دیگری سرنشینان مسلح یک اتومبیل بنز در جاده کمربندی بابل - قائم‌شهر، ۴ نفر از افراد متعهد را که با موتورسیکلت در حال تردد بودند، با مسلسل به رگبار بستند و متواری شدند. در این واقعه یکی از این افراد به نام محمد محسن‌پور به شهادت رسید و بقیه هم مجروح شدند.

مجروران حادثه به‌وسیله یک تاکسی به بیمارستان یحیی‌نژاد بابل منتقل شدند، اما چند لحظه بعد، سرنشینان یک اتومبیل پیکان راننده این تاکسی را که جواد شعبان‌زاده نام داشت و شاهد ماجرای ترور بود، پس از خروج از بیمارستان در کوی محلوجی ترور کرده و به شهادت رساندند. این‌بار مردم با تجمع مانع فرار ضارب‌ان شدند و آنها را دستگیر کردند و به نیروهای امنیتی تحویل دادند.^(۲۲)

در اقدام تروریستی دیگری، در بابل یکی از افراد سازمان مجاهدین (منافقین) با شلیک چند گلوله به سمت یکی از اهالی متعهد شهر، وی را مجروح کرد. ضارب با هشیاری مردم دستگیر و تحویل نیروهای سپاه پاسداران شد.^(۲۳)

حجت‌الاسلام موحدی قمی حاکم شرع و امام‌جمعه اسلام‌آباد غرب، صبح امروز در میدان این شهر، هدف سوءقصد دو موتورسوار مسلح قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله مجروح شد. در این حادثه پاسبان ابوالقاسم امیدی که محافظ و راننده وی بود، به شهادت رسید.^(۲۴)

در یاسوج هم محمدرضا هاشم‌پور مسئول حفاظت منطقه نفتی گچساران، هنگام رفتن به محل کار، به‌دست یکی از افراد وابسته به گروه‌های ضدانقلاب ترور شد و بر اثر اصابت ۴ گلوله به شهادت رسید. مردم و نیروهای ژاندارمری ضارب را دستگیر کردند و پس از بازرسی وی یک اسلحه کمری و ۲ نارنجک به دست آوردند، ولی او در یک فرصت مناسب با استفاده از غفلت مأموران متواری شد.^(۲۵)

در سبزوار هم دو موتورسوار مسلح وابسته به سازمان مجاهدین خلق، عباس برق‌مندی از افراد متعهد این شهر را، که مشغول نقاشی یک ساختمان بود، ترور کرده و به شهادت رساندند. مهاجمان پس از این اقدام گریختند.^(۲۶)

در قزوین نیز یکی از افراد سپاه پاسداران به نام محسن موسوی در خیابان امام خمینی این شهر، هدف سوءقصد دو موتورسوار مسلح قرار گرفت و بر اثر اصابت دو گلوله به سر و گردن شهید شد. با پیگیری نیروهای سپاه عامل اصلی این ترور در حالی که کلت به‌همراه داشت، دستگیر شد.^(۲۷)

یکی از کسبه متعهد آمل به دست یکی از عوامل وابسته به گروه‌های ضدانقلاب در مغازه‌اش ترور و مجروح شد. ضارب پس از این اقدام با شلیک چند تیر هوایی فرار کرد.^(۲۸) در بروجرد هم افراد وابسته به گروه‌های مسلح غیرقانونی به سمت یکی از روحانیون این شهرستان که در حال پارک کردن اتومبیل خود بود، تیراندازی کردند، اما تیرها به وی اصابت نکرد و مهاجمان گریختند.^(۲۹)

۵۶۰

با تلاش نیروهای سپاه و کمیته، ۱۱ خانه تیمی در تهران، لاهیجان و زاهدان کشف شد و تعدادی از افراد گروه‌های ضدانقلاب نیز دستگیر شدند.

در پی گزارش‌های مردم درباره وجود یک خانه تیمی در حوالی میدان قیام تهران، پاسداران کمیته ستاد ۱ منطقه ۱۰ تهران به این مکان مراجعه کردند. ساکنان خانه که متوجه حضور پاسداران شده بودند، مقاومت کردند و یک نفر از آنان که زخمی شده بود، با پرتاب یک نارنجک جنگی توانست فرار کند، اما نفر دوم دستگیر شد.

در بازرسی این خانه ۲ اسلحه ۳، ۲ قبضه کلاشینکف، حدود ۱۰۰۰ فشنگ، ۲۰ خشاب پر، ۵۰ تیر فشنگ کالیبر ۵۰، ۸۰ نوع بمب دست‌ساز مختلف، مقدار فراوانی وسایل اولیه ساخت مواد منفجره، ۳ پلاک اتومبیل، یک کیلوگرم باروت و یک بمب نیمه‌ساخته کشف شد. در این مکان همچنین کارت شناسایی یکی از پاسداران کمیته که چندی قبل ترور و مجروح شده بود، به دست آمد.^(۳۰)

نیروهای واحد عملیات سپاه پاسداران لاهیجان با همکاری مردم ۲ خانه تیمی متعلق به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را در این شهر کشف و ۳ نفر را نیز در این خانه‌ها دستگیر کردند. از این خانه‌های تیمی ۲ نارنجک جنگی، مقداری مواد منفجره (خرج پلاستیکی)، خرج توپ و خمپاره، چاشنی بمب، یک دستگاه پلی‌کپی، یک ماشین چاپ و مدارکی حاکی از تصمیم این افراد برای ترور و تخریب در مراکز دولتی و منازل مردم به دست آمد.^(۳۱)

علاوه بر این، به گزارش خبرگزاری پارس از ابتدای مردادماه تاکنون، ۸ خانه تیمی در زاهدان کشف شده و از این خانه‌ها تعداد فراوانی اسلحه، مهمات، نارنجک، بمب دست‌ساز، مواد منفجره و دستگاه‌های چاپ و تکثیر به دست آمده است. این خبرگزاری همچنین اعلام کرد که در این مدت ۱۱۴ نفر از هواداران و اعضای سازمان مجاهدین خلق، سازمان چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) و سازمان پیکار در شهرهای زابل، زاهدان، ایرانشهر و سراوان با همت نیروهای سپاه پاسداران شناسایی و دستگیر شده‌اند.^(۳۲)

۵۶۱

بر اثر اقدامات خرابکارانه افراد وابسته به گروه‌های مسلح غیرقانونی مانند پرتاب بمب و ایجاد انفجار در چند شهر کشور، یک نفر مجروح شد و خساراتی به بار آمد.

در پی انفجار یک بمب صوتی که مقابل ساختمان دادگستری ارومیه کار گذاشته شده بود، شیشه‌های چند ساختمان دولتی از جمله دادگستری، بانک ملی، ستاد لشکر ۶۴ ارومیه و منازل اطراف شکست. به گزارش واحد مرکزی خبر، در این انفجار که ساعت ۲۰:۳۰ رخ داد، کسی آسیب ندیده است.^(۳۳)

در بروجرد نیز انفجار بمب دست‌سازی که به منزل معاون بسیج سپاه پاسداران پرتاب شده بود موجب زخمی شدن همسر این فرد از ناحیه دست و صورت شد. در حادثه مشابهی در همین شهر، بمبی به منزل یک فرد نظامی پرتاب شد که در نتیجه انفجار آن شیشه‌های منزل شکست.^(۳۴)

انفجار بمب دست‌سازی که به منزل یکی از کارمندان مخابرات خرم‌آباد پرتاب شده بود، موجب شکستن شیشه‌های این منزل و چند خانه اطراف شد، اما خسارت جانی در پی نداشت.^(۳۵)

همچنین دو موتورسوار هم‌زمان یک بمب دست‌ساز و یک بمب آتش‌زا را به منزل یکی از شهیدان شیراز پرتاب کردند که خسارت اندکی ایجاد کرد.

در حادثه دیگری در این شهر، بر اثر پرتاب بمبی آتش‌زا به درون مغازه لبنیاتی یکی از افراد متعهد شهر مقدار زیادی از اجناس مغازه سوخت.^(۳۶)

علاوه بر این دو موتورسوار یک بمب ساعتی را که داخل یک دیگ زودپز جاسازی شده بود در محله خانه‌های شهید شیراز رها کردند که بر اثر انفجار آن به خانه‌ای که محل آموزش نوجوانان بود خساراتی وارد شد.^(۳۷)

در مشهد نیز انفجار بمب آتش‌زایی که به سمت دکه تبلیغاتی مربوط به حزب جمهوری اسلامی در این شهر پرتاب شده بود، خسارت جزئی به بار آورد.^(۳۸)

در آبکنار شهرستان انزلی، خانه یکی از افراد متعهد با بمب آتش‌زا هدف حمله قرار گرفت. انفجار این بمب موجب آتش‌سوزی و به‌بار آمدن خسارت‌هایی شد.^(۳۹)

در شهرستان تربت جام، افراد وابسته به گروه‌های مسلح غیرقانونی بمب دست‌سازی را به منزل یکی از نیروهای سپاه پاسداران پرتاب کردند که در نتیجه شیشه‌های منزل وی شکست.^(۴۰)

چند فرد مسلح در آستارا با اسلحه کلاشینکف، تفنگ شکاری و نارنجک به خودرو گشت سپاه آستارا حمله کرده و پس از تیراندازی، گریختند. بر اثر این تهاجم شیشه‌های اتومبیل شکست و بدنه آن سوراخ شد، اما به سرنشینان آن آسیبی نرسید.^(۴۱)

۵۶۲

با تلاش نیروهای سپاه پاسداران و کمیته انقلاب و همکاری مردم یک تیم ترور سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در اصفهان و ۸۷ نفر از عوامل پرتاب بمب و ترور در سمنان، رشت، کرج و هفتگل (خوزستان) دستگیر شدند.

در اصفهان با دستگیری و اعتراف یکی از افراد فعال سازمان مجاهدین خلق که سرپرست یک گروه نیز بود، ۴ نفر از افراد تیم نظامی سازمان؛ از جمله ضارب شهید حجت الاسلام سید حسن بهشتی* شناسایی و ۳ نفر از آنان در یک عملیات تعقیب و مراقبت با تلاش نیروهای سپاه پاسداران دستگیر شدند. نفر چهارم که سعی داشت فرار کند بر اثر تیراندازی کشته شد.^(۴۲)

در سمنان نیز مردم یکی از افراد این سازمان را هنگام پرتاب بمب به منزل یکی از پاسداران سپاه، دستگیر کردند و تحویل نیروهای سپاه پاسداران دادند.^(۴۳)

در محله خمیران رشت هم ۲ نفر از هواداران فعال سازمان مجاهدین خلق درحالی که دو بمب دست ساز همراه داشتند با هشیاری مردم دستگیر و به نیروهای سپاه پاسداران تحویل داده شدند. یکی دیگر از افراد این سازمان هم در یک مراسم راه پیمایی که به مناسبت شهادت رجایی و باهنر برگزار شده بود، شناسایی، دستگیر و به نیروهای سپاه رشت تحویل داده شد.^(۴۴)

در همین حال، روابط عمومی سپاه پاسداران کرج با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: با همکاری نیروهای سپاه و کمیته و مردم در چند روز گذشته در منطقه شهریار و ملارد ۶۱ نفر از هواداران و افراد وابسته به گروه‌های مسلح غیرقانونی شناسایی و دستگیر شدند و از آنان مقدار زیادی مواد منفجره، اسناد و مدارک به دست آمد.

در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است که در شهر کرج نیز ۵ نفر درحالی که بمب آتش‌زا و دست ساز همراه داشتند دستگیر شدند؛ ۲ نفر از این افراد هنگام دستگیری درحال کار گذاشتن بمب بودند. علاوه بر این ۶ نفر دیگر نیز که متهم به مشارکت در ترورهای اخیر این شهر بودند دستگیر شدند.^(۴۵)

یازده تن از افراد سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) نیز در هفتگل استان خوزستان، دستگیر شدند. از این افراد چند بمب دست ساز و آتش‌زا، جزوه‌های روش

* شهید سید حسن بهشتی جانشین آیت الله طاهری امام جمعه اصفهان و رئیس شعبه ۲ دادگاه انقلاب اسلامی شیراز و کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در انتخابات میان دوره‌ای اصفهان، صبح روز جمعه ۲ مرداد ۱۳۶۰ (روز انتخابات ریاست جمهوری و میان دوره‌ای مجلس) مقابل منزل خود به همراه برادرزاده اش ترور شد و به شهادت رسید. سازمان مجاهدین خلق مسئولیت این ترور را بر عهده گرفت. (روزشمار ۱۳۶۰/۵/۲)

ساخت بمب، نشریات مختلف و اعلامیه‌های متعدد به دست آمد. در پی دستگیری افراد مذکور، مردم هفتگل در حمایت از این اقدام ضمن برگزاری راه‌پیمایی، مقابل ساختمان سپاه پاسداران تجمع کردند، سپس یکی از دستگیرشدگان وابسته به سازمان مجاهدین خلق با حضور در جمع مردم از عملکرد خود اظهار ندامت کرد که با استقبال مردم مواجه شد.^(۴۶)

۵۶۳

اغلب جراید و رادیوهای غربی امروز در تحلیل‌هایشان درباره مسائل داخلی ایران به بزرگ‌نمایی مشکلات و درگیری‌های داخلی و ارائه تحلیل‌های جانب‌دارانه از عملکرد سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و ادعای سقوط قریب‌الوقوع نظام جمهوری اسلامی پرداختند.

رادیو صدای آمریکا، که در صدر رسانه‌های مخالف ایران قرار دارد، در تحلیل خود با اقتباس از مقاله ویلیام. بی. من، که از وی به‌عنوان مشاور ویژه وزارت امور خارجه آمریکا در دوران بحران گروگان‌گیری کارمندان سفارت این کشور در تهران نام برده، آورده است: «هر بار که از اوضاع آشفته ایران سخنی به میان می‌آید، گفته می‌شود که رژیم آیت‌الله خمینی در حال متلاشی شدن است. ناظران سیاسی از هر مکتب و مرام متقاعد و مطمئن هستند که آشفته‌گی و نابسامانی اوضاع ایران نشانه درهم فرو ریختن حکومت [آیت‌الله] خمینی و روی کار آمدن یک نظام و تشکیلات نوین به جای آن است. البته رژیم ملاها سرانجام به زانو درخواهد آمد.»

این رادیو ادامه امکان سقوط سریع نظام جمهوری اسلامی را به دلیل اتحاد مسئولان و توانمندی نیروهای سپاه پاسداران، دور از دسترس دانسته، اما در عین حال مدعی شده که مردم از شنیدن خبر ترورها و اشغال سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور شادمان می‌شوند. در پایان این تحلیل آمده است: «حتی در صورت مرگ [آیت‌الله] خمینی هم ممکن است رژیم [آیت‌الله] خمینی متلاشی نشود، بلکه یک جنگ داخلی پایان‌ناپذیر در ایران به جریان بیفتد که نسل‌های آتی ایرانیان را مسموم و رنجور سازد.»^(۴۷)

رادیو بی‌بی‌سی نیز براساس گزارش خبرنگار رویت‌ر ادعا کرد که اقدامات مشترک بنی صدر و سازمان مجاهدین خلق رعب و وحشت را بر کشور حاکم کرده است و هیچ‌یک از مسئولان و پاسداران جرئت حضور در خیابان‌ها را ندارند. این رادیو در ادامه تحلیل خود، با استناد به سخنان بنی صدر کاهش تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات دومین دوره ریاست‌جمهوری ایران را به منزله کاهش محبوبیت مسئولان نظام قلمداد کرد، اما با اشاره به اینکه هنوز مردم، امام خمینی را مظهر انقلاب می‌دانند و قدرت بنیادگرایان نیز در بخش‌های دولتی تحکیم شده است، وقوع یک قیام عمومی در آینده نزدیک را غیرمحمّل دانست.^(۴۸)

علاوه بر این، نشریه میل / یست مدعی شد که در هر خانواده ایرانی حداقل یک نفر طرف‌دار سازمان مجاهدین خلق است، اما با توجه به اعلام وفاداری ارتش به انقلاب و قدرت

حزب جمهوری اسلامی و از سوی دیگر، حضور سه نیروی وفادار به انقلاب و امام خمینی؛ یعنی سپاه پاسداران، کمیته انقلاب اسلامی و بسیج، احتمال سقوط زود هنگام نظام جمهوری اسلامی منتفی است.^(۴۹)

۵۶۴

در پی انتشار اخباری مبنی بر موضع گیری عده‌ای از مسئولان سازمان آزادی‌بخش فلسطین به نفع سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و اظهار نظر آنها درباره مسائل داخلی ایران و شایعه خرید اسلحه از رژیم صهیونیستی، صلاح زواوی سفیر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در تهران، در گفت‌وگویی با خبرگزاری پارس شایعه اقدام ایران به خرید اسلحه از این رژیم را نادرست خواند.

زواوی گفت: «من به عنوان سفیر فلسطین در ایران می‌گویم که چنین اتهاماتی در مورد انقلاب اسلامی ایران که بر اساس اصول اسلام استوار است قابل قبول نیست، زیرا این مسئله در تضاد بنیانی با هرنوع ارتباط و معامله با اسرائیل است.»

وی همچنین در مورد سخنان هانی الحسن وی سفیر پیشین این سازمان در تهران* گفت: «چون هانی الحسن اکثراً در سفر است، لذا در جریان دقیق اخبار نیست و من نیز نمی‌توانم در مورد سخنان وی اظهار نظر کنم.» زواوی در پاسخ به این سؤال که آیا شما به عنوان نماینده سازمان آزادی‌بخش فلسطین، گزارش فعالیت‌های این سفارتخانه را به رهبران سازمان اطلاع می‌دهید، گفت: «البته این کار را می‌کنم، اما همان‌طور که می‌دانید همیشه بین سران ممالک اختلاف و تضاد وجود دارد؛ من جمله بین مقامات ایران و از این‌گونه اختلافات بین رهبران سازمان آزادی‌بخش نیز وجود دارد.»^(۵۰)



انتشار خبر ملاقات هانی الحسن نفر دوم ساف با مسعود رجوی رابطه ایران با این سازمان را تحت تأثیر قرار داد.

* هانی الحسن در مصاحبه با روزنامه کویتی / الوطن در ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ گفته بود: «سازمان آزادی‌بخش فلسطین از قبل درباره حوادث آینده ایران اطلاع داشت که در آینده کشتارهای وسیعی در ایران رخ خواهد داد، ولی چون این مسئله صرفاً یک مسئله داخلی است سازمان به خود لازم نمی‌دانست تا درباره آن مداخله کند. براین اساس سازمان آزادی‌بخش فلسطین دست به کاهش فعالیت اتباع خود در ایران زده است.» (خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۳، ۱۳۶۰/۶/۹، صص ۵ - ۶، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۸)

۵۶۵

روزنامه واشنگتن پست فروش هواپیماهای جاسوسی آواکس به عربستان را تهدیدی برای امنیت امریکا و ناتو دانست.

این روزنامه در مقاله‌ای با طرح این ادعا که در جریان حوادث انقلاب اسلامی ایران بخشی از اطلاعات امنیتی و نظامی امریکا به دست روس‌ها افتاده، نوشته است فروش هواپیماهای جاسوسی آواکس به عربستان به دلیل بی‌ثباتی حکومت این کشور و توانایی شوروی برای نفوذ در امور امنیتی آن، می‌تواند موجب تکرار این تجربه شود. در بخشی از این مقاله آمده است: «باتوجه به تجربه ایران، باورکردن تصمیم دولت ریگان به فروش پنج فروند رادار پرنده به عربستان سعودی دشوار می‌نماید؛ چراکه هم از نظر امنیت امریکا و هم دفاع از اروپای غربی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسئله ناراحت‌کننده دیگر این حقیقت است که سعودی‌ها تعداد دیگری از سلاح‌های پیشرفته امریکا را دریافت داشته‌اند یا دریافت خواهند کرد که اهمیت آنها برای دفاع از امریکا کمتر از آنچه در اختیار ایران قرار داشت، نیست. عربستان سعودی از نظر سیاسی بی‌ثبات است و بدتر از آن شوروی‌ها توانایی آن را دارند که حتی اگر انقلابی هم در آن کشور روی ندهد، در امور امنیتی‌اش نفوذ کنند. به اعتقاد مفسران واشنگتن، ایالات متحده امریکا با تحویل رادارهای پرنده، جنگنده اف ۱۵ و سلاح‌های دیگر به عربستان سعودی، که برخی از آنها تازه در اختیار نیروهای امریکایی قرار گرفته، امنیت خود و ناتو را به خطر می‌اندازد و به یک مفهوم اطلاعات نظامی بادآورده‌ای را به شوروی پیشکش می‌کند که دست‌کم دو برابر اطلاعاتی است که در ایران به دست کا.گ.ب. یا پلیس مخفی شوروی افتاد.»^(۵۱)

ضمیمه اول گزارش ۵۵۲: روایت حادثه انفجار ساختمان نخست‌وزیری

انفجار در اتاق جلسه شورای امنیت در همان لحظات اولیه بسیاری از مسئولان کشور را که در ساختمان‌های اطراف مشغول کار بودند متوجه خود کرد. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی که در آن لحظه عازم مجلس شورای اسلامی بوده است، در این مورد می‌گوید: «جلسه علنی داشتیم و لایحه بازسازی مطرح بود. ساعت ۳ بعدازظهر، هنگامی که عازم رفتن به جلسه علنی بودم صدای انفجاری شنیدم. معلوم شد در نخست‌وزیری بوده، دود و آتش بلند شد. از پنجره دفتر نگاه کردم. گفتند اتاق جلسات دولت است. فوراً خبر رسید که جلسه شورای امنیت بوده و آقایان رجایی و باهنر هم حضور داشته‌اند. یک ربع بعد، بهزاد نبوی آمد که خودش در نخست‌وزیری بوده، سخت ناراحت و شوکه بود. گفت آقایان باهنر و رجایی شهید شده‌اند و عده‌ای نجات یافته‌اند. خبرهای متناقض می‌رسید. عده‌ای مدعی بودند که بعد از انفجار، آقایان رجایی و باهنر را در حال انتقال به بیمارستان زنده دیده‌اند و عده‌ای می‌گفتند، اشتباه می‌کنند آنها در آتش سوخته‌اند.

رئیس شهربانی سرهنگ وحید دستگردی، معاون ژاندارمری سرهنگ ضیایی و معاون نیروی زمینی تیمسار شرفخواه و سرهنگ کتیبه رئیس اداره دوم ارتش مجروح و بستری بودند. یوسف کلاهدوز مسئول سپاه پاسداران و خسرو تهرانی سالم درآمده بودند. تهرانی کمی سوخته بود.»^(۵۲)

بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرایی و سخنگوی دولت نیز درمورد مشاهدات خود از این حادثه گفت: «حدود ساعت ۳ بود که من در اتاق صدای انفجاری شنیدم. از پنجره به حیاط نخست‌وزیری نگاه کردم، دیدم از یکی از اتاق‌ها آتش و دود بیرون می‌آید، همراه با دو سه نفر از برادرانی که آنجا بودند به سرعت به طبقه پایین آمدم. دیدیم که انفجار در یکی از اتاق‌ها صورت گرفته و تعدادی از افرادی که در

اتاق حضور داشته و خراش‌های سطحی برداشته بودند، خود از اتاق بیرون آمدند.» سرهنگ کتیبه رئیس اداره دوم ارتش نیز که از حاضران در این جلسه بوده است، آن لحظات را چنین توصیف کرد: «جلسه ساعت ۳ بعدازظهر، در دفتر کنفرانس نخست‌وزیری تشکیل شد. شهید رجایی جلسه را با سوره والعصر شروع کردند. در جلسات شورای امنیت معمولاً مسئولین گزارشات وقایع هفتگی خود را عنوان می‌کنند. در همین لحظات که بحث و گفت‌وگو در جلسه ادامه داشت، من ناگهان احساس کردم همین‌طور که روی صندلی نشسته بودم بی‌اراده سر پا ایستاده و تمام صورتم و مخصوصاً پیشانی‌ام به‌شدت می‌سوزد، مثل اینکه باروت یا بنزین روی صورت و سرم ریخته باشند. پیشانی‌ام به‌شدت می‌سوخت و آتش از سر و رویم بالا می‌رفت. چشمم را باز کردم دیدم اتاق را دود قهوه‌ای‌رنگ غلیظی پوشانده و اتاق تاریک است. آن میز بزرگی که میز کنفرانس بود مثل اینکه ذوب شده و در زمین فرورفته بود. مسئله‌ای که برای من اهمیت دارد، شدت انفجار بود که ما صدای آن را در آن لحظه نشنیدیم پرده‌های گوش افرادی که آنجا بودند تمام پاره شده بود.»^(۵۳)

روزنامه/اطلاعات هم به نقل از خبرنگاران خود درباره این حادثه نوشته است: «خبرنگار ما در تماس با دفتر فرماندهی آتش‌نشانی درمورد این حادثه جويا شد. فرمانده کشیک آتش‌نشانی دراین زمینه اظهار داشت: "در ساعت ۳:۱۵ دقیقه به آتش‌نشانی اطلاع داده شد که انفجاری در ساختمان نخست‌وزیری رخ داده است. بلافاصله اکیپ‌های یک، دو، سه، چهار، پنج، هشت، ده، یازده، سیزده، چهارده، هجده، نوزده و همچنین امدادگران نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و اورژانس‌های تهران و سپاه و کمیته‌ها و شهرداری و نیروی هوایی در محل حاضر شدند و پس از ۳ ساعت تلاش مداوم، موفق شدند حریق را مهار کنند. از طرف دیگر، گروه امدادگران پس از اطفای حریق مجروحینی را که در زیر آوار مانده بودند از زیر آوار بیرون کشیدند و بلافاصله به اورژانس‌ها و بیمارستان‌های مختلف انتقال دادند. ضمناً تعدادی جنازه سوخته نیز از محل فاجعه توسط امدادگران از زیر آوار بیرون کشیده شدند."

خبرنگار سیاسی روزنامه/اطلاعات که دقایقی بعد از وقوع حادثه انفجار بمب در نخست‌وزیری خود را به محل حادثه رساند نتیجه مشاهداتش را چنین گزارش داد: "وقتی با مشکلات فراوان نزدیک در ورودی نخست‌وزیری رسیدم، آتش‌سوزی تازه خاموش شده بود، هنوز دود ناشی از آتش‌سوزی از ساختمان نخست‌وزیری به هوا زبانه می‌کشید. مأموران آتش‌نشانی با جنب‌وجوش زیادی به اطراف می‌دویدند. تمام شیشه‌های ساختمان نخست‌وزیری بدون استثنا خرد شده بود. قسمتی از طبقه دوم ساختمان نخست‌وزیری که در خیابان پاستور واقع است، بر اثر انفجار و آتش‌سوزی ناشی از آن، در هم کوبیده شده و به خیابان ریخته بود." یکی دیگر از خبرنگاران ما گزارش داد: "رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر شهید ما دیروز به‌همراه ۱۰ تن دیگر از همکارانشان در جلسه‌ای در ساختمان مرکزی نخست‌وزیری شرکت کرده بودند که بر اثر انفجار بمبی که به‌دست ناپاک عوامل امریکا کار گذاشته شده بود محل برگزاری جلسه منفجر شد. بر اثر این انفجار ۳ تن شهید و ۹ نفر دیگر مجروح شدند.

اجساد شهدای این فاجعه به‌صورتی سوخته بود که به‌هیچ‌وجه شناسایی آنها ممکن نبود. از سوی دیگر، در میان زخمی‌های این حادثه اثری از برادران رجایی و باهنر به چشم نمی‌خورد و بدین ترتیب حدس زده می‌شد که ۲ جسد از ۳ جسد به‌دست‌آمده متعلق به رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر باشد. بالاخره در آخرین ساعت شب پیکرهای پاک قربانیان حادثه ۸ شهریور از روی علاماتی که در دندان‌های هرکدام از آنها وجود داشت شناسایی شدند. هنوز از هویت صاحب جسد اطلاعی در دست نیست، اما احتمال داده می‌شود مربوط به یکی از برادران سپاهی باشد که در جلسه شورای امنیت شرکت کرده بود."

یکی از مأموران شهرداری که همیشه پشت در اتاق جلسات مهم مملکتی حضور دارد گفت: مثل همیشه پشت در اتاق در حال قدم‌زدن بودم که ناگهان صدای انفجار از داخل اتاق کنفرانس به گوش رسید و تمام ساختمان نخست‌وزیری را تکان داد در اتاق را باز کردم دود و آتش در اتاق فضا را تاریک کرده بود و گردوغبار هم به این تاریکی کمک کرده بود. منتظر بودم تا ببینم چه کسی از اتاق خارج می‌شود، اولین کسی که از اتاق خارج شد یک سرهنگ ارتش بود که گویا زخمی شده بود و از اتاق به بیرون دوید. بقیه نیز یک‌یک اتاق را ترک کردند و به‌زودی زخمی‌ها را نیز تخلیه کردیم. در این زمان بود که آتش دیگر به بیرون زبانه می‌کشید. مجبور شدیم به بیرون راه بیاییم، اما گویی همه درها بسته شده بود تا بالاخره به کمک برادران پاسدار به بیرون آمدیم.»^(۵۴)

ضمیمه دوم گزارش ۵۵۲: مواضع سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در پذیرش مسئولیت انفجار ساختمان نخست‌وزیری ایران با آنکه مسعود رجوی در نخستین روز پس از حادثه انفجار در ساختمان نخست‌وزیری، به دلیل برخی ملاحظات و بیم از واکنش‌های منفی بین‌المللی علیه سازمان، اطلاعیه دفتر سازمان در لندن مبنی بر دست داشتن در این انفجار را تکذیب کرد، اما دلایل متقن بعدی و به ویژه اعتراف صریح وی در یکی از دیدارهای دوره‌ای اش با حبوش رئیس سازمان اطلاعات عراق، بیانگر نقش کلیدی سازمان در اجرای این عملیات بود. چند سال بعد یک نشریه آمریکایی فاش کرد که این عملیات را سازمان جاسوسی آمریکا طراحی و برنامه‌ریزی کرده بود و عاملان آن در واقع مأموران سیا بوده‌اند.^(۵۵)

در کتاب *سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام* دلایل شیوه برخورد سازمان با این ماجرا مورد بحث و بررسی قرار گرفته که بخش‌هایی از آن با اندکی تلخیص چنین است:

«سازمان، چه قبل از فرار رجوی و بنی‌صدر و چه پس از آن، با تاکتیک تعلیق موضع‌گیری تا آشکار شدن نتایج عملی "عملیات ویژه"، در مورد دو حادثه انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیرماه و انفجار در ساختمان نخست‌وزیری در هشتم شهریورماه ۱۳۶۰، اعتراف رسمی نکرده است و پس از واکنش منفی افکار عمومی در قبال عملکرد سازمان و افزایش حمایت گسترده مردم از نظام جمهوری اسلامی، سازمان دیگر به مصلحت خود ندانست که رسماً و علنی مسئولیت دو اقدام تروریستی هولناک علیه بالاترین مقامات سیاسی و اداری کشور را بر عهده گیرد، اما در منابع منتشره سازمان گاه به صورت کنایه و یا اشاره در مورد ضربه‌های هولناک و سهمگین مطالبی طرح شده است، ولی صریحاً به این دو عملیات، که در سازمان در چارچوب عملیات ویژه طبقه‌بندی شده، اعتراف نشده است. برخی می‌پندارند که در صورت اعتراف رسمی سازمان به پذیرفتن مسئولیت این دو عملیات، برای سازمان - به لحاظ بین‌المللی - موانع جدی ایجاد می‌شد تا بدان حد که حتی می‌توانست احتمال استرداد تروریست‌ها را در پی داشته باشد. در حالی که این تحلیل درست نیست، زیرا سازمان طی سال‌های گذشته به ده‌ها عملیات تروریستی رسماً اعتراف کرده و هم‌زمان مورد حمایت قدرت‌های غربی نیز قرار داشت.

به نظر می‌رسد علاوه بر نگرانی از واکنش افکار عمومی داخلی و بین‌المللی در قبال پذیرش مسئولیت این دو فاجعه بزرگ تروریستی که می‌توانست بازتاب پر سروصدا و وسیعی در رسانه‌ها داشته باشد، برخی ملاحظات پیچیده امنیتی و اطلاعاتی در سازمان‌های جاسوسی غربی که طراحان و آمران اصلی آنها بوده‌اند و مستقیماً این دو عملیات را حمایت و پشتیبانی فنی و عملیاتی کرده‌اند، اختیار تصمیم‌گیری در مورد اعلام مسئولیت آنها را از دست سازمان خارج ساخته است. ...»^(۵۶)

از سوی دیگر، در بیانیه رسمی وزارت امور خارجه آمریکا درباره سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، که در سال ۱۳۷۳ صادر شد، رسماً به مسئولیت سازمان در انفجار هشتم شهریور تصریح شده است: «طبق گزارشات، در تاریخ ۳۰ اوت [۸ شهریور] مجاهدین در جلسه شورای امنیت ملی رژیم [ایران] بمب‌گذاری نمودند که منجر به کشته شدن رئیس‌جمهور جدید، [محمد] علی رجایی و نخست‌وزیر جدید وی، محمدجواد باهنر گردید. ... مجاهدین صورت مجزا و منفرد مسئولیت برخی اقدامات تروریستی را که فکر می‌کردند نتیجه آنها باعث تقویت وجهه آنها می‌شد بر عهده گرفتند. ... [با وجود عدم پذیرش رسمی مسئولیت انفجارهای ۷ تیر و ۸ شهریور] ولی یادآوری این مسئله مهم است که مجاهدین - به خصوص در اوایل دهه ۱۹۸۰ [دهه شصت شمسی] هم تمایل و هم توان انجام مقاصد خشونت‌بار خویش را داشتند.»^(۵۷)

اعتراف رجوی نزد مقامات امنیتی عراق در زمانی که وی در صدد جلب حمایت آنان است صریح‌ترین موضع‌گیری سازمان در این باره است؛ در بخش دیگری از این کتاب در این خصوص آمده است: «مسعود رجوی در یکی از دیدارهای محرمانه خود با مقامات اطلاعاتی و امنیتی رژیم بعث عراق به مسئولیت مستقیم سازمان در انفجار هشتم شهریور اذعان کرده است. رجوی در دیدار با ژنرال حبوش رئیس سازمان امنیت صدام، در سال ۱۳۷۸، هنگامی که به برخی تبلیغات موجود در رسانه‌های غربی آن زمان علیه سازمان اشاره می‌کند، سابقه روابط نزدیک خود با غربی‌ها و از جمله اطلاع مقامات ارشد آمریکا و فرانسه از دو عملیات مذکور را یادآوری می‌کند. متن سخنان رجوی چنین است: "همان‌گونه که اطلاع دارید من در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ در پاریس بودم. در آن سال‌ها دشمنی به این‌گونه با ما نبود و به ما تروریست نمی‌گفتند. هر چند که کاخ سفید و کاخ الیزه می‌دانستند با کاخ الیزه هم ارتباط داشتیم، می‌دانستند که چه کسی حزب جمهوری را در ایران منفجر کرد و چه کسی و چرا عملیات علیه رئیس‌جمهوری و علیه رئیس‌الوزرای

ایران انجام داد. آنها می‌دانستند و خوب هم می‌دانستند ولی صفت تروریست هم به ما نزدند.^{۵۸*} «چند روز پس از حادثه انفجار، آیت‌الله ربانی املشی دادستان کل کشور، در یک پیام تلویزیونی عامل انفجار را معرفی و چگونگی این اقدام را چنین تشریح کرد:

«عامل انفجار نخست‌وزیری شخصی به نام مسعود کشمیری دبیر شورای امنیت، بوده است. این شخص بمبی در کیف خود جاسازی کرده بود که به‌طور عادی و معمولی، بدون اینکه هیچ‌کس به او ظنین شود و هیچ‌کس هم کیف او را بازرسی و رسیدگی نمی‌کرده و ... خیلی عادی و طبیعی بود که کیفش را در دست بگیرد و برود در جلسه شرکت کند و از آنجایی که منشی جلسه هم بود، کنار مرحوم شهید رجایی و شهید باهنر بنشیند و این کار را کرده و کیف خود را هم در کنار آنها قرار داده و طوری هم تنظیم کرده بود که انفجار، اولین بار، این دو شخصیت بزرگ و ارزنده و عزیز را بگیرد. ... خود او هم رفتاری معمولی داشته است؛ گاهی بیرون می‌رفته، داخل می‌شده، با این و آن صحبت می‌کرده است؛ می‌رفته است چیزی از بیرون می‌آورده و گاهی جای می‌داده است. در بین یکی از این مواقعی که رفت‌وآمد می‌کرده است، به بیرون رفته و دیگر برگشته و در همان موقع، این انفجار به وجود آمده و این عزیزان را از ما گرفت و کشمیری فرار کرد و هم‌اکنون نیز متواری است و زنده است.»^(۵۹)

ضمیمه گزارش ۵۵۳: سوابق اجرای عملیات در منطقه سرپل ذهاب

از ابتدای جنگ تحمیلی و بعد از تثبیت کلی جبهه‌های غرب، سرپل ذهاب یکی از معروف‌ترین جبهه‌ها و درعین حال از کم‌تحرک‌ترین آنها بوده است؛ زیرا ارتش عراق ارتفاعات کلیدی و راهبردی منطقه از جمله ارتفاعات بازی‌دراز، قراویز، کوره‌موش و ... را در تصرف خود داشت. در طول یک سالی که از آغاز جنگ می‌گذشت، نیروهای خودی همواره به‌دنبال تسخیر این ارتفاعات بودند. از سوی دیگر، ارتش عراق نیز با بهره‌گیری از قدرت آتش، برتری قوای نظامی خود و انجام فعالیت‌های مهندسی نظیر احداث جاده و ایجاد میدان‌های مین قوی روی ارتفاعات، مواضع خود را مستحکم کرده و با این مناطق کاملاً آشنا شده بود.^(۶۰)

درمورد ویژگی‌های زمینی منطقه و سابقه اجرای عملیات در این منطقه باید افزود: «ارتفاعات صعب‌العبور بازی‌دراز با قله‌های بلند و شیب‌های تند و بریدگی‌های ممتد از اهمیت ویژه‌ای در منطقه مرزی استان کرمانشاه برخوردار است. این ارتفاعات به‌مثابه عارضه بزرگی درون مثلث قصرشیرین - گیلان‌غرب - سرپل ذهاب واقع شده است و بر منطقه، تسلط کامل دارد. دشمن در روزهای آغازین جنگ از بازی‌دراز برای دیدبانی استفاده می‌کرد، اما ویژگی این ارتفاعات موجب شد با فعالیت‌های مهندسی، روی آن جاده‌سازی شود و یگان‌های عراق در آنجا مستقر شوند و ضمن افزایش سلطه بر قصرشیرین، سرپل ذهاب را نیز زیر دید خود بگیرند. برای گرفتن این امتیاز مهم از دشمن، پس از سه ماه کار نیروهای شناسایی سپاه، قرارگاه مقدم غرب سپاه و ارتش نخستین عملیات نیمه‌گسترده را در این منطقه طرح‌ریزی کردند که با نام عملیات بازی‌دراز در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۱ آغاز شد و به مدت ۸ روز طول کشید و طی آن نیروهای خودی و دشمن بارها به تک و پاتک متقابل پرداختند. دشمن با استفاده از پشتیبانی هوایی و جاده‌های مواصلاتی، یگان‌های خود را حمایت

* در میان مدارک و اسناد طبقه‌بندی‌شده مربوط به ارتباط مسئولان اصلی سازمان مجاهدین خلق با مقامات سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی عراق که با سقوط رژیم بعث به دست گروه‌های مبارز عراق افتاد، فیلم ملاقات رجوی با رئیس سازمان امنیت عراق از مهم‌ترین اسنادی است که سازمان درباره آن فقط سکوت کرد: «فیلم این ملاقات و سایر دیدارهای مقامات اطلاعاتی و امنیتی عراق با رجوی به‌طور مخفیانه ضبط شده بود که پس از سقوط رژیم صدام و دسترسی مردم به آرشیوهای مراکز اطلاعاتی، قسمت‌هایی از آنها به خارج منتقل شد که در قالب یک کتاب توسط گروهی از جادشدگان سازمان در لندن انتشار یافت. سی‌دی تصویری این ملاقات و سایر ملاقات‌های مندرج در کتاب نیز به ضمیمه آن انتشار یافته و در دسترس عموم قرار گرفته است و سند منحصربه‌فرد و غیرقابل انکاری از بسیاری روابط پشت پرده تروریستی سازمان محسوب می‌شود.» (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، *سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴ - ۱۳۴۴)*، به کوشش جمعی از پژوهشگران، جلد دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۵، صص ۶۴۳ - ۶۴۲)

می‌کرد، اما رزمندگان از جاده و حمایت هوایی کافی و پشتیبانی آتش محروم بودند، در نتیجه نتوانستند روی تمام هدف‌ها مستقر شوند؛ با وجود این، از بین قله‌های منطقه سه قله آن را تثبیت کردند و تنها در تثبیت قله ۱۱۵۰ و یکی از قله‌های ۱۱۰۰ ناکام ماندند. در این عملیات هوایی روز ارتش نقش بسزایی ایفا کرد و طی آن خلبان علی اکبر شیرودی به شهادت رسید.^(۶۱)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۶۰/۶/۸

۱. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۳، لندن - خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۰/۶/۹.
۲. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام (۱۳۴۴ - ۱۳۴۴)، به کوشش جمعی از پژوهشگران، جلد ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۵، ص ۶۳۱.
۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۹، ص ۲.
۴. اکبر هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران (کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۰)، به اهتمام یاسر هاشمی، تهران: نشر معارف انقلاب، چاپ نهم ۱۳۸۶، ص ۲۱۶.
۵. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۹، ص ۲.
۶. سند شماره ۵۱۹۴۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از وزارت کشور به واحدهای نظامی و انتظامی تهران و کلیه استانداری‌ها، ۱۳۶۰/۶/۸، صص ۱ و ۲؛ - سند شماره ۵۱۹۴۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه پاسداران (مرکز فرماندهی) به سپاه تهران (فرماندهی)، ۱۳۶۰/۶/۸، سند تک‌برگی.
۷. سند شماره ۰۰۴۹۷۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش اطلاعات منطقه ۷، ۱۳۶۰/۶/۱۱، صص ۷ - ۱.
۸. سند شماره ۱۷۱۰۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از نظارت و ارزشیابی به فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰/۸/۱۳، صص ۱۰ - ۱؛ - سند شماره ۱۹۲۴۹۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تحلیل نبردهای تیپ ۲۶ زرهی (تقویت‌شده) در منطقه بستان، ۱۳۶۰/۶/۱۱، صص ۱۰ - ۱؛ - سند شماره ۷۳۶۳۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: طرح عملیاتی سپاه پاسداران (محور سرپل ذهاب)، ۱۳۶۰/۶/۱۲، صص ۹ - ۱.
۹. سند شماره ۷۸۴۴۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: طرح عملیاتی سپاه پاسداران (محور سرپل ذهاب)، ۱۳۶۰/۶/۸، صص ۹ - ۱.
۱۰. سند شماره ۰۰۴۹۷۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۱۱. سرهنگ ستاد بازنشسته سید یعقوب حسینی و سرتیپ ۲ بازنشسته محمد جواد پور، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد ۵، تهران: سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، ص ۲۴۱.
۱۲. همان، ص ۲۴۲.
۱۳. همان.
۱۴. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۸، ص ۲.
۱۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۶/۵، صص ۲ و ۴.
۱۶. سند شماره ۱۵۲۴۳۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سماجا ۲ (م - ۱۳۲) به سماجا ۳ (مرکز فرماندهی)، ۱۳۶۰/۶/۱۰، سند تک‌برگی؛ - سند شماره ۱۴۴۸۱۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ژاجا رکن ۲ (گروه اطلاعات) به سماجا ۲ (مدیریت اطلاعات)، ۱۳۶۰/۶/۳۱، ص ۱.
۱۷. اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، نشریه بررسی مطبوعات جهان، شماره ۸۰، ۱۳۶۰/۶/۱۷، صص ۵۴ و ۵۵، کثر اشتات انساگر (آلمان).
۱۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۲، ص ۴؛ - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۴.
۱۹. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۷، تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۹.
۲۰. همان، ص ۶.
۲۱. مرکز خبری روابط عمومی سپاه پاسداران، نشریه خبرنامه، شماره ۲۱۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۵؛ - سند شماره ۵۱۹۵۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ستاد منطقه ۳ به فرماندهی ستاد مرکزی، ۱۳۶۰/۶/۸، سند تک‌برگی.
۲۲. روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۳؛ - سند شماره ۵۱۹۵۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۲۳. سند شماره ۵۱۹۵۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۲۴. سند شماره ۵۱۹۵۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی منطقه ۷ به فرماندهی ستاد مرکزی، ۱۳۶۰/۶/۸، سند تک‌برگی؛ - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۸، ص ۲.
۲۵. سند شماره ۵۱۹۹۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از گچساران به تهران (فرماندهی سپاه)، ۱۳۶۰/۶/۱۰، سند تک‌برگی؛ - مرکز خبری روابط عمومی سپاه پاسداران، نشریه خبرنامه، شماره ۲۱۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۵؛ - سند شماره ۵۱۹۸۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی سپاه منطقه ۹ (شیراز) به فرماندهی سپاه مرکز، ۱۳۶۰/۶/۹، سند تک‌برگی.
۲۶. سند شماره ۵۱۹۸۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی سپاه مشهد به فرماندهی سپاه مرکز، ۱۳۶۰/۶/۹، سند تک‌برگی؛ - روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۶/۱۲، ص ۳؛ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۴.
۲۷. سند شماره ۵۱۹۶۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ستاد خبری سپاه زنجان به فرماندهی سپاه، ۱۳۶۰/۶/۸، سند تک‌برگی؛ - مرکز خبری روابط عمومی سپاه پاسداران، نشریه خبرنامه، شماره ۲۱۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۲.
۲۸. سند شماره ۵۱۹۸۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۳ چالوس به ستاد مرکزی سپاه (مرکز فرماندهی)، ۱۳۶۰/۶/۹، سند تک‌برگی؛

۴۲. سند شماره ۵۱۹۶۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: ۱۳۶۰/۶/۸، سند تک‌برگی.
۴۳. مرکز خبری روابط عمومی سپاه پاسداران، نشریه *خبرنامه*، شماره ۲۱۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۵.
۴۴. همان، صص ۴ و ۵؛ و - روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۴؛ و - روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۱۳.
۴۵. روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۶/۸، ص ۱۵.
۴۶. همان.
۴۷. خبرگزاری پارس، نشریه *گزارش‌های ویژه*، شماره ۱۶۳، ۱۳۶۰/۶/۹، صص ۳ - ۱ ضمیمه، رادیو صدای آمریکا، ۱۳۶۰/۶/۸.
۴۸. همان، صص ۵ و ۶ ضمیمه، رادیو لندن، ۱۳۶۰/۶/۸.
۴۹. همان، صص ۱۷ - ۱۵، لندن - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۸.
۵۰. همان، صص ۵ و ۶ تهران - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۸.
۵۱. همان، صص ۳ و ۴ ضمیمه، رادیو صدای آمریکا، ۱۳۶۰/۶/۸.
۵۲. *عبور از بحران*، پیشین، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.
۵۳. *سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴ - ۱۳۴۴)*، پیشین، صص ۶۲۸ و ۶۲۹.
۵۴. روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۶۰/۶/۹، ص ۲.
۵۵. *سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴ - ۱۳۴۴)*، پیشین، ص ۶۳۱.
۵۶. همان، ص ۶۳۷.
۵۷. همان، ص ۶۴۳.
۵۸. همان، صص ۶۴۲ و ۶۴۳.
۵۹. همان، صص ۶۳۱ و ۶۳۲.
۶۰. سند شماره ۴۳۶۵۱۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از منطقه ۷ (فرماندهی) به فرماندهی، ۱۳۶۰/۷/۲۹.
۶۱. حسن دری، *کرمانشاه در جنگ*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۷، ص ۹۸.

- و - روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۴.
۲۹. سند شماره ۳۲۸۶۶۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از استاندار لرستان به وزارت کشور (اداره کل سیاسی)، ۱۳۶۰/۶/۱۰، سند تک‌برگی.
۳۰. روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۳؛ و - روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱۳.
۳۱. مرکز خبری روابط عمومی سپاه پاسداران، نشریه *خبرنامه*، شماره ۲۱۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۴؛ و - روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۶/۸، ص ۴.
۳۲. روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۶/۸، ص ۴.
۳۳. روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱؛ و - روزنامه *کیهان*، ۱۳۶۰/۶/۱۱، ص ۱۵؛ و - روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۶۰/۶/۱۲، ص ۴.
۳۴. سند شماره ۳۲۸۶۴۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از استاندار لرستان به وزارت کشور (اداره کل سیاسی)، ۱۳۶۰/۶/۸، سند تک‌برگی.
۳۵. همان.
۳۶. سند شماره ۵۲۰۳۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی سپاه منطقه ۹ (شیراز) به فرماندهی سپاه مرکز، ۱۳۶۰/۶/۱۱، سند تک‌برگی.
۳۷. خبرگزاری پارس، نشریه *گزارش‌های ویژه*، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۹، ص ۸، شیراز - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۹.
۳۸. سند شماره ۵۱۹۸۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۳۹. سند شماره ۵۱۹۸۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۴۰. خبرگزاری پارس، نشریه *گزارش‌های ویژه*، شماره ۱۶۴، ۱۳۶۰/۶/۱۰، صص ۷ و ۸ مشهد - خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۶/۹.
۴۱. سند شماره ۵۲۰۵۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرماندهی سپاه منطقه ۳ چالوس به فرماندهی ستاد مرکزی، ۱۳۶۰/۶/۱۰، ص ۱.